





دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روابط بین الملل

آمریکا و سازمان ملل متحد در بحران عراق 2011 - 2003

استادان راهنما:
دکتر عنایت... یزدانی
دکتر شهروز ابراهیمی

استاد مشاور:
دکتر علی امیدی

پژوهشگر:
سعید توتونچی

آذر ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روابط بین الملل آقای

سعید توتونچی

تحت عنوان

آمریکا و سازمان ملل متحد در بحران عراق

۲۰۱۱-۲۰۰۳

در تاریخ ۹۱/۹/۱۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر عنایت ا... یزدانی با مرتبه‌ی علمی دانشیار

امضاء

۲- استاد راهنمای پایان نامه دکتر شهروز ابراهیمی با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۳- استاد مشاور پایان نامه دکتر علی امیدی با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور داخل گروه دکتر سعید وثوقی با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۵- استاد داور خارج از گروه دکتر محمود جلالی با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه



تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که در طول دوران تحصیل مشوق و پشتیبان من بودند.

تقدیر و شکر:

در ابتدای تحقیق بر خود لازم می‌دانم از زحمات اساتید راهنما و مشاور جناب آقایان دکتر شهروز ابراهیمی، دکتر عنایت‌الله یزدانی و دکتر علی امیدی که با حوصله فراوان به سؤالات پژوهشگر گوش کردند و با مطالعه و نقدهای دقیق و موثکافانه خود و وارد کردن اصلاحات به جا، بنده را در پیشبرد هر چه بهتر پژوهش فراوان یاری رسانند کمال شکر و سپاس گذاری را بنمایم.

تقدیر شکر:

همچنین شایسته است کمال قدردانی را از پدر و مادر بزرگوارم را داشته باشم
، استادان بزرگ زندگی من که با نهایت دلسوزی، همواره چون شمع برای من
سوخته اند و با سپاس فراوان از همسر بزرگوارم که همواره مشوق و مهربان بوده
است و با صبر فراوان راهنمای من بوده است و به جاست که از همکاری و
دلسوزی برادرانم و خواهران عزیزم کمال شکر را داشته باشم و از دوست عزیزم
آقای مجید بیگی نژاد و رضا شهباز زاده که مرایاری نموده اند سپاسگزارم و امید
وارم جبران این زحمات را با یاری خدای متعال به حضورشان تقدیم کنم.

چکیده

حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بدون مجوز رسمی سازمان ملل بحث‌های بسیاری در میان حقوقدانان، پژوهشگران و... برانگیخته است. بویژه جایگاه عملکرد این سازمان بعد از حمله به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. سؤالی که در این پژوهش به آن پاسخ داده‌ایم اینست که این حمله چه تأثیری در جایگاه سازمان ملل در نظام بین‌الملل کنونی داشته است. فرضیه پژوهش این است که ایالات متحده با یکجانبه‌گرایی خود در حمله به عراق موجبات ضعف سازمان ملل و سیستم امنیت جمعی پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد را فراهم کرد. برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش از دو تئوری واقع‌گرایی دموکراتیک و تهاجمی بهره گرفته‌ایم و با استفاده از دو متد کمی و کیفی و یک دید تاریخی و تحلیلی به بررسی نوع رابطه ایالات متحده و احزاب این کشور با سازمان ملل بویژه در مورد عراق پرداخته‌ایم. بررسی قطعنامه‌ها با موضوع عراق قبل و بعد از سال ۲۰۰۳ بویژه بعد از ۱۱ سپتامبر و براندازی صدام تا خروج این کشور از بند هفت منشور و اقدامات این سازمان بعد از حمله را نیز مورد بررسی قرار داده‌ایم و با تجزیه و تحلیل آنها بخشی عمده از پرسش اصلی را پاسخ داده‌ایم. در پایان به این نتیجه می‌رسیم که عملکرد سازمان در دوره‌های مختلف همواره تحت تأثیر قدرتهای بزرگ از جمله آمریکا و نوع رابطه کشورهای قدرتمند با یکدیگر در سازمان بوده و هست. از طرفی دیگر تفسیر پذیر بودن قطعنامه‌های شورای امنیت بویژه در مورد عراق باعث شده که هر کدام از موافقان و مخالفان حمله به عراق و سازمان ملل دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کنند.

واژگان کلیدی: سازمان ملل، عراق، نومحافظه‌کاران، سلاح‌های کشتار جمعی، قطعنامه، نظم نوین جهانی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- تعریف مفاهیم کلیدی	۴
۳-۱- سؤالات پژوهش	۵
۴-۱- فرضیه های پژوهش	۶
۵-۱- روش تحقیق	۶
۶-۱- گردآوری داده ها	۷
۷-۱- ساختاربندی پژوهش	۷
۸-۱- محدودیت های پژوهش	۸

فصل دوم: چهارچوب های نظری

مقدمه	۹
۱-۲- واقع گرایی دموکراتیک (نومحافظه کاری)	۹
۲-۲- واقع گرایی تهاجمی	۱۴

فصل سوم : اهداف سازمان ملل و سیاست خارجی آمریکا

۱-۳- سازمان ملل و صلح امنیت بین المللی	۲۲
۱-۱-۳- سازمان ملل متحد و جنگ	۲۲
۲-۱-۳- شورای امنیت وظایف و کارکردها (با تاکید بر دفاع مشروع و پیش گیرانه)	۲۳
۳-۱-۳- شورای امنیت در جنگ سرد و پس از آن	۲۷
۲-۳- سازمان ملل متحد در سیاست خارجی آمریکا	۲۸
۱-۲-۳- آمریکا و شکل گیری سازمان ملل	۲۹
۲-۲-۳- مخالفین آمریکایی سازمان ملل	۳۲
۳-۲-۳- آمریکا و اصلاحات در سازمان ملل	۴۰

فصل چهارم : عراق، آمریکا و سازمان ملل از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ (تلاش برای خلع سلاح)

مقدمه.....	۴۳
۱-۴- سازمان ملل و جنگ عراق علیه ایران.....	۴۴
۲-۴- چرا صدام کویت را اشغال کرد؟.....	۴۵
۳-۴- سازمان ملل و بحران اشغال کویت.....	۴۵
۴-۴- اولین واکنش به اشغال کویت، قطعنامه ۶۶۰.....	۴۷
۵-۴- قطعنامه ۶۶۱ تحریم همه جانبه عراق.....	۴۷
۶-۴- قطعنامه ۶۶۴ وورعایت آداب دیپلماتیک.....	۴۸
۷-۴- تحریم دریایی در قطعنامه ۶۶۵.....	۴۹
۸-۴- ایجاد منطقه پرواز ممنوع و قطعنامه‌های ۶۷۰ و ۶۷۸.....	۴۹
۹-۴- قطعنامه آتش بس (قطعنامه ۶۸۷).....	۵۱
۱۰-۴- قطعنامه ۶۹۲.....	۵۴
۱۱-۴- قطعنامه ۷۰۶.....	۵۴
۱۲-۴- قطعنامه ۷۰۷ و فشار بیش تر برای خلع سلاح.....	۵۴
۱۳-۴- قطعنامه ۷۱۵ و نظارت بیش تر.....	۵۵
۱۴-۴- برنامه نفت در برابر غذا و شیوه مصرف درآمدهای نفتی عراق.....	۵۵
۱۵-۴- قطعنامه ۱۰۵۱ از شکست آنسکام تا آموریم.....	۵۶
۱۶-۴- قطعنامه ۱۱۳۷ و تحریم سفر سران عراقی.....	۵۷
۱۷-۴- عدم همکاری عراق با بازرسان و قطعنامه‌های سازمان در ۱۹۹۸.....	۵۸
۱۸-۴- قطعنامه ۱۲۸۴: عمیق تر شدن اختلافات و تدقیق قطعنامه‌های قبلی.....	۵۸
۱۹-۴- تحریم‌های هوشمند.....	۶۰
۲۰-۴- پیامدهای ۱۱ سپتامبر بر آمریکا، عراق و سازمان ملل متحد.....	۶۱
۲۱-۴- ۱۱ سپتامبر و تحول در سیاست خارجی آمریکا و نظام بین الملل.....	۶۱
۲۲-۴- قطعنامه ۱۴۴۱ و دیدگاه‌ها.....	۶۷
۲۳-۴- زمینه چینی برای حمله به عراق.....	۷۴

فصل پنجم : سازمان ملل و حمله به عراق (۲۰۰۳)

مقدمه.....	۷۹
۱-۵- وضعیت حقوقی عراق پس از سقوط صدام (نبود حاکمیت ملی).....	۸۰
۲-۵- علل عدم حضور سازمان ملل در عراق (اوایل سقوط صدام).....	۸۰
۳-۵- حضور مجدد سازمان ملل در عراق (بعد از درگیری‌ها).....	۸۲
۴-۵- قطعنامه ۱۴۸۳.....	۸۵
۵-۵- قطعنامه ۱۵۴۶.....	۸۸
۶-۵- قطعنامه ۱۷۰۷.....	۹۱
۷-۵- چرایی تصویب و موافقان قطعنامه ۱۷۰۷.....	۹۴
۸-۵- دیدگاه مخالفان قطعنامه ۱۷۰۷.....	۹۵
۹-۵- نقش خلیل زاد در نزدیکی آمریکا و سازمان ملل.....	۹۸
۱۰-۵- پیامدهای حضور سازمان ملل در عراق.....	۹۹
۱۱-۵- عراق و خروج از فصل هفت منشور.....	۹۹
منابع و ماخذ.....	۱۰۵

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

هدف اصلی از تشکیل سازمان ملل متحد^۱ در سال ۱۹۴۵، حفظ صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از جنگ بود. پدید آوردندگان سازمان ملل متحد، ایجاد یک سیستم عمومی امنیت دسته جمعی برای کنترل به کارگیری و استفاده از زور را دنبال می کردند. تدوین کنندگان منشور ملل متحد، با توجه به ناتوانی جامعه ملل در مقابله با جنگ، وظیفه استقرار صلح و امنیت بین الملل را به شورای امنیت سازمان ملل واگذار کردند. اتخاذ این تصمیم بدان امید بود که از اشتباهات و ضعف های جامعه ملل پرهیز شود و سازمان جدید، از عضویت و پشتیبانی همه قدرتهای بزرگ برخوردار باشد. اما با شروع جنگ سرد این سازمان بویژه رکن اجرایی آن یعنی شورای امنیت بدلیل رقابت شدید و عدم همکاری شوروی و آمریکا نتوانست انتظارات را برآورده کند. ذوب شدن یخهای جنگ سرد و فروپاشی شوروی امیدها را برای نقش آفرینی سازمان در زمینه انجام وظایف محوله در منشور افزایش داد. پایان دادن به جنگ عراق و ایران و برخورد قاطع با صدام در جریان اشغال کویت از نمونه های بارز موفقیت سازمان ملل و بویژه شورای امنیت در زمینه حفظ، برقراری و اعاده صلح و امنیت بین المللی در این مقطع زمانی می باشند.

1. در این متن منظور از سازمان ملل همان سازمان ملل متحد می باشد.

از آغاز دوران پس از فروپاشی نظام دو قطبی، طراحان سیاست خارجی آمریکا، با مطرح کردن ایده نظم نوین جهانی در صدد شکل دادن به جهانی تازه با محوریت آمریکا بوده‌اند. از این رو، آمریکا برای واقعیت بخشیدن به این جهان، کوشش نمود تا از سازمان ملل متحد به عنوان پارلمان جهانی تأیید کننده سیاست جهانی-اش بهره گیرد. تا حدودی نیز در انحام این کار موفق شد به طوری که می‌توان گفت که همه تصمیمات شورای امنیت یا با اجازه ایالات متحده تصویب شده‌اند یا مخالفت این کشور، مانع از تصویب آن‌ها شده است به جز یک مورد که موضوع این پژوهش نیز می‌باشد و آن تلاش برای کسب مجوز شورا برای حمله غیر قانونی به عراق بود که علاوه بر مخالفت روسیه و چین برای اولین بار متحد دوران جنگ سرد این کشور یعنی فرانسه در شورا و آلمان به عنوان عضو مؤثر جامعه جهانی و اتحادیه اروپا با این کشور مخالفت کردند. با گذشت شصت و هفت سال از حضور سازمان ملل متحد در صحنه جهانی و ارزیابی فعالیت‌های این سازمان برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی درباره نقش و میزان تاثیرگذاری این سازمان وجود دارد. در برخی از بررسی‌ها، سازمان ملل نهادی مؤثر و دارای نقش اساسی و تعیین کننده در تحولات مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی معرفی شده است، اما در برخی دیگر از تجزیه و تحلیل‌ها، سازمانی بی اثر و دارای نقش تشریفاتی در جهت حفظ صلح و امنیت شناخته می‌شود. در کنار این دو دیدگاه، برخی نیز حد متوسط و بینابینی را در نظر می‌گیرند و معتقدند این سازمان هرچند به طور کامل نتوانسته است به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل نماید، در برخی از بحران‌ها مؤثر عمل کرده و نقش کارسازی در جهت پایان دادن به بحران و جلوگیری از ادامه و گسترش آن ایفا نموده است. در برخی از بحرانها نیز نقش محدود کننده‌ای داشته و هرچند درگیری، جنگ و بحران را متوقف نساخته، توانسته است آن را مهار و محدود کند و از گسترش دامنه آن و از این که یکی از طرف‌های منازعه بتواند تمام خواست‌های خود را به طرف مقابل تحمیل کند، جلوگیری نماید. از این جهت نقش سازمان ملل را برای حفظ صلح و امنیت انکار نمی‌کنند البته آن را مطلق و کامل هم نمی‌دانند بلکه نقش این سازمان و موفقیت آن را در ایفای مسئولیت با توجه به شرایط بین‌المللی نسبی می‌دانند. در عین حال موارد متعددی نیز وجود دارد که سازمان ملل در آنها نتوانسته به‌طور مؤثر اقدام کند و لذا در استقرار صلح و امنیت ناکام مانده است. علت این مساله هم آن است که سازمان ملل هرچند به‌عنوان یک واحد و نهاد مستقل بررسی می‌شود، عملکرد آن تابع مستقیم نقش و عملکرد دولتها به ویژه پنج عضو دائم شورای امنیت بوده است. در مواردی که این دولتها به همگرایی رسیده و به طور یکپارچه از سازمان ملل حمایت و پشتیبانی کرده‌اند، نقش سازمان ملل در حل بحرانها افزایش یافته و این سازمان نتوانسته است به توفیقی در پیشبرد اهداف خود دست یابد. عملکرد سازمان ملل پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ مصداق کامل این وضعیت است.

اما در جایی که دولتها دارای اختلاف نظر بوده و نتوانسته‌اند به توافق و اجماع برسند، نه تنها از سازمان ملل متحد حمایت نکرده‌اند، بلکه با استفاده از اهرمهای نفوذ و فشاری که در اختیار دارند، مانع فعالیت آن شده‌اند. بنابراین سازمان ملل متحد نتوانسته در این موارد به صورت موثر و موفق عمل نماید. در این موارد بسته به میزان اختلاف دولتها و وضعیت و موقعیت هر کدام از آنها، سازمان ملل متحد یا به طور کامل به صورت سازمانی دست و پا بسته درآمده یا آنکه به صورت عامل تعدیل کننده دولتها و محدودساز بحرانها عمل کرده است. در حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ در واقع چنین وضعیتی ایجاد شد. در این مقطع اختلاف نظرهای حادی بین قدرتهای بزرگ و اعضای دائم شورای امنیت (امریکا و انگلیس در یک طرف و فرانسه، روسیه و چین در طرف دیگر) به وجود آمد که عمدتا بر سر ترتیبات و ساختار بین المللی بود. امریکا به ایجاد نظم تک قطبی و یک جانبه گرایی می اندیشید و انتظار داشت دیگر قدرتها از سیاست های کاخ سفید تبعیت کنند درحالی که دیگر قدرتهای بزرگ جهان چندجانبه گرایی و ایجاد نظمی با مشارکت همه قدرتها را مدنظر داشتند و می کوشیدند مانع شکل گیری نظام تک قطبی با محوریت ایالات متحده شوند. این اختلاف دیدگاه راه های متفاوتی را برای برخورد با بحرانها پیش پای قدرتها می گذاشت. از این رو در حالی که امریکا می کوشید متناسب با دیدگاهها و سیاستهای خود عمل کند و دیگران را نیز به تبعیت از خود وادار نماید، قدرت های مخالف یک جانبه گرایی امریکا سعی داشتند مانع چنین عملی شوند و مکانیسمی را ایجاد کنند که بر مشارکت جمعی کشورها در مسائل جهانی مبتنی باشد. این اختلاف نظر در برخورد با عراق به دوگانگی کشیده شد. درحالی که امریکا خواهان جنگ بود، دیگر اعضای شورای امنیت (غیر از انگلیس) بر همکاری جمعی در چارچوب سازمان ملل بدون توسل به زور برای واداشتن عراق به تبعیت از قطعنامه های سازمان ملل تاکید می کردند. وقتی زمینه رسیدن به توافق هم فراهم نشد امریکا راه خود را در پیش گرفت و با اتکا به قدرت خود و بی اعتنا به دیگر قدرتها و مخالفت های جهانی راه جنگ را همانطور که اعلام کرده بود در پیش گرفت. از این رو شورای امنیت سازمان ملل نتوانست به اجماعی برای حل بحران دست یابد و به علاوه با توجه به محدودیتهای خود نتوانست مانع اقدام نظامی ابرقدرتی چون امریکا شود. از این رو فقط نظاره گر حمله امریکا به عراق شد، بی آنکه بتواند به مسئولیت خود در حفظ صلح و امنیت عمل کند.

آنچه که بر اهمیت بحران عراق در وضعیت کنونی نظام بین المللی افزوده است، از یک سو ارتباط این مسأله با جایگاه و موقعیت سازمان ملل متحد به عنوان یک نظام امنیت دسته جمعی در حفظ صلح در نظام بین المللی است و از سوی دیگر، ارتباط آن با ساختار در حال شکل گیری نظام بین الملل، پس از تحولات یازدهم سپتامبر است.

۱-۲- تعریف مفاهیم کلیدی

سلاحهای کشتار جمعی^۱: در واقع این اصطلاح دربرگیرنده سه نوع سلاح هسته‌ای، سلاح بیولوژیک و سلاح شیمیایی می‌باشد. نظام‌های تسلیحات انهدام جمعی را می‌توان از تسلیحات متعارف برمبنای قدرت خسارات جانبی بالقوه آنها به شکل عینی‌تر و نیز از نظر قدرت بازدارندگی‌شان متمایز کرد. که برای پوشش هر سه مقوله در طبقات تسلیحات انهدام جمعی رژیم‌هایی تاسیس شده است (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

سازمان ملل متحد^۲: این سازمان پس از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از بروز جنگ و ترویج صلح بوجود آمد. مقدماتی که منجر به تشکیل سازمان ملل متحد گردید عبارت بودند از: منشور آتلانتیک، اعلامیه ملل متحد (۱۹۴۲)، اعلامیه امنیت عمومی (اکتبر ۱۹۴۳)، میان سه کشور آمریکا، شوروی و انگلستان، کنفرانس تهران (۱۹۴۳)، کنفرانس دامبارتن اوکس (۱۹۴۴)، کنفرانس یالتا (۱۹۴۵) و کنفرانس سانفرانسیسکو (۱۹۴۵). منشور سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ از طرف تعدادی از کشورها به تصویب رسید و از آن تاریخ به اجرا درآمد. ارکان اصلی این سازمان عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی-اجتماعی، شورای قیمومیت، دیوان دادگستری بین‌المللی و دبیرخانه (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

عراق^۳: کشور همسایه غربی ایران، که از شمال با ترکیه و سوریه، از مغرب و جنوب با اردن و عربستان سعودی و کویت همسایه است و کرانه‌ی باریکی نیز به عرض ۵۸ کیلومتر با خلیج فارس دارد. مساحت این کشور ۴۳۴/۹۲۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن به موجب آخرین برآوردها حدود ۲۵ میلیون نفر است (طلوعی، ۱۳۸۵: ۷۵۶).

نظم نوین جهانی^۴: در کاربرد جدید، این عبارت تداعی کننده ریس جمهور آمریکا، جرج بوش است؛ کسی که بعد از تهاجم عراق به کویت در تاریخ ۲ اوت ۱۹۹۰، آن را رواج داد. اگرچه این اصطلاح در اذهان مردم تداعی کننده جنگ خلیج فارس است، اما ایده‌های ملحوظ در آن به هیچ وجه جدید نیستند، نیاز به یک نظم نوین جهانی همواره با وقایع مهم در روابط بین‌الملل همراه بوده است. در واقع بخش زیادی از بحث مربوط به نظم نوین جهانی بر اصلاح ملل متحد، تقویت سازوکارهای اقدام جمعی و شالوده ریزی برای حکمرانی جهانی متمرکز است. بنابراین از نظر خوش‌بینها دوره ۹۱-۱۹۸۹ مویده نقطه عطفی در سیاست جهانی است که شرایط بی-سابقه‌ای را برای همکاری سیاسی-اقتصادی و نظامی فراهم آورده است (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۷۸).

1 . Weapons of Mass Destruction
2 . The United Nations
3 . Iraq
4 . New World Order

قطعنامه^۱ : ۱- متنی که میتینگها، بحثهای جمعی و کنگره‌ای را به پایان می‌رساند، به این ترتیب که برای ارکان اجراکننده ریال خط‌مشی معین می‌کند و یا در مورد بخصوصی، موقعیت اصولی خود را نسبت به موضوع مورد بحث مشخص می‌کند. ۲- نتیجه‌ای که از اجتماعی یا جلسه مشورتی گرفته می‌شود و بصورت مکتوب درآید (آقابخشی وافشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۸۵).

نومحافظه کاران^۲ : اصطلاحی است که از اوایل قرن بیست‌ویکم رایج شده و در مورد عناصر راست افراطی و تندرو به کاربرده می‌شود. کاربرد این اصطلاح بیشتر در مورد عناصر راست افراطی در حکومت بوش پسر است و (دیک چین)، معاون بوش و رامسفلد وزیر دفاع او از عناصر شاخص این گروه می‌آیند (طلوعی، ۱۳۸۵: ۹۷۵).

۱-۳- سؤالات پژوهش

۱: سؤال اصلی

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بدون مجوز رسمی سازمان ملل متحد تحت چه عواملی بود و این بحران چه تأثیری بر جایگاه و وجهه این بزرگترین نهاد بین‌المللی داشته است؟

۲: سؤالات فرعی

برای پاسخگویی به سؤال اصلی ناگذیر به طرح سؤالات فرعی هستیم که ضمن داشتن هم‌پوشانی با سؤال اصلی تمامی نکات و فصول پژوهش را نیز مورد توجه قرار دهند و در پایان نیز با توجه به مجموع نتایج حاصل از آن‌ها به آزمون فرضیه‌ها و پاسخگویی به سوال اصلی بپردازیم. باتوجه به آنچه گفته شد سؤالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

- ۱- باتوجه به مفاد منشور و نقش شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ چگونه ارزیابی می‌شود؟
- ۲- نوع رابطه آمریکا و سازمان ملل از زمان شکل‌گیری سازمان و دیدگاه‌های آمریکایی‌ها در قبال این سازمان بویژه در این برهه (بعد از ۱۱ سپتامبر) چه تأثیری در حمله بدون مجوز سازمان ملل متحد به عراق داشت؟ (بامقایسه آرای دموکراتها و جمهوریخواه‌ها).

۳- ضمن معرفی علل فراز و فرودهای حضور سازمان ملل متحد در عراق پس از صدام این عوامل چه تأثیری بر جایگاه سازمان ملل متحد در عراق و نظام بین‌الملل داشته است؟ (با تأکید بر قطعنامه‌ها و مواضع سه طرف درگیر یعنی آمریکا و متحدانش، عراقی‌ها و سازمان ملل متحد).

۴-۱- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی نگارنده در این پژوهش این است که یکجانبه‌گرایی آمریکا در حمله به عراق بدون مجوز شورای امنیت موجبات تضعیف سیستم امنیت دسته جمعی موجود در منشور ملل متحد و زیر سؤال بردن اعتبار این بزرگترین نهاد بین‌المللی را فراهم کرده است و ایالات متحده در برهه‌های تاریخی مختلف از این نهاد به عنوان ابزاری برای تأمین منافع ملی خود استفاده کرده است. بنابراین متغیر مستقل ما عبارت است از نوع برخورد ایالات متحده با بحران‌های بین‌المللی و در این مورد خاص با بحران عراق و متغیر وابسته ما عبارت است از جایگاه سازمان ملل متحد در اثر این برخوردهاست.

فرضیه دوم: سازمان ملل متحد در جریان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ با وجود ایفای نقش فعال و مؤثر بعد از سرنگونی صدام در این بحران نتوانست طبق وظایف محوله در منشور ملل متحد عمل نماید.

فرضیه سوم: همگرایی و واگرایی میان اعضای دائم شورای امنیت و حتی در رأس بودن گروه‌های مختلف از این کشورها (بویژه دموکراتها یا جمهوریخواه‌ها در آمریکا)، نقش عمده‌ای در حل و فصل بحران‌ها بویژه بحران عراق داشته است.

۵-۱- روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از یک دید تاریخی و بهره‌گیری از استقراء^۱ به توصیف^۲ و تحلیل^۳ داده‌های گردآوری شده پرداخته شده است و مدل تحقیق نیز کمی می‌باشد و از مفاهیم به عنوان واحد بنیادین در طول پژوهش بهره می‌گیریم. هرچند تعداد کمی قطعنامه‌های صادره شده در طول تحقیق نیز مورد بررسی قرار داده‌ایم ولی اصل را بر محتوای یا همان کیفیت قطعنامه‌های صادره قرار داده‌ایم. لازم به ذکر است که از دو تئوری واقع-گرایی دموکراتیک و تهاجمی به عنوان ابزارهایی برای توصیف، تجزیه و پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش استفاده خواهیم کرد.

1 - Inductive
2 - Description
3 - Analysis

۱-۶-گردآوری داده‌ها

در گردآوری داده‌ها از کتاب‌ها، مجلات پژوهشی معتبر، مصاحبه‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و بویژه از قطعنامه‌های سازمان ملل با موضوع بحران عراق استفاده شده است.

۱-۷- ساختار بندی پژوهش

برای آزمون فرضیه و پاسخ گویی به سؤالات، پایان نامه را به صورت زیر ساختار بندی کرده ایم: بدین گونه که پس از ذکر مقدمه و کلیات، در فصل اول دو تئوری واقع گرایی دموکراتیک (نومحافظه کاری)، و واقع گرایی تهاجمی را به عنوان ابزارهایی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده در تمام طول پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فصل سوم به این سؤال پاسخ می‌دهیم که وظیفه سازمان ملل متحد و بویژه رکن اجرایی آن یعنی شورای امنیت در قبال جنگ و حفظ صلح و امنیت بین المللی طبق مواد منشور چه می‌باشد و علل کارکردهای متفاوت این سازمان را در دوران جنگ سرد و بعد از آن را به طور کلی تبیین می‌کنیم. در فصل بعدی نوع دیدگاه نخبگان آمریکایی را نسبت به سازمان ملل متحد از بدو پیدایش این سازمان بررسی می‌کنیم. تأکید ما در این فصل بر دیدگاه نومحافظه کاران است که در این برهه قدرت را در آمریکا در اختیار داشتند و آشکارا سازمان ملل متحد را مانعی بر سر راه تحقق منافع ملی آمریکا می‌دانستند. در فصل چهارم با یک دید تاریخی به رویارویی آمریکا و عراق در سازمان ملل متحد از زمان اشغال کویت در ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۳ می‌پردازیم برای رسیدن به این مهم بدون شک باید قطعنامه‌هایی را که شورا در محکومیت عراق صادر کرد و رژیم‌های تحریم شدید و بی سابقه - ای که شورا به رهبری آمریکا علیه عراق وضع کرد مورد موشکافی قرارداد. بررسی واقعه ۱۱ سپتامبر و تأثیرگذاری آن در سیاست خارجی آمریکا و ساختار نظام بین الملل و اشاره به تلاش‌های بی ثمر آمریکا برای جلب حمایت اعضای دائم شورا برای کسب مجوز حمله به عراق نیز در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل پنجم به بررسی حقوقی ادعاهای ایالات متحده برای توجیه حمله به عراق می‌پردازیم و تبعات این حمله را بر جایگاه سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر خواهیم شمرد. در فصل پایانی به نقش سازمان ملل در عراق بعد از اشغال می‌پردازیم و به این سؤال پاسخ می‌گوییم که چه عواملی موجب شد تا سازمان ملل به عرصه پر آشوب عراق وارد شود و چه دیدگاه‌هایی در این رابطه وجود دارد. اقداماتی که سازمان برای ایجاد ثبات و گذار در عراق انجام داد و این که تصمیمات و قطعنامه‌هایی که سازمان ملل متحد با موضوع عراق صادر کرد توانست به بهبود جایگاه سازمان در نزد افکار عمومی جهانی و انجام وظایف منشور منجر شود را نیز در این فصل بررسی می‌کنیم. در پایان نیز با توجه به مجموع مطالب گفته شده به نتیجه گیری و ارائه راه کاری می‌پردازیم.

۱-۸- محدودیت‌های پژوهش

در دسترسی به اطلاعات، منهای اطلاعات مربوط به اعمال سازمان ملل متحد پس از آغاز خروج نیروهای نظامی ایالات متحده و متحدانش که به منابع کمی دسترسی داشتیم به دلیل کار شدن بر روی زوایای مختلف پژوهش از دید علمی در هر دو حوزه زبان‌های فارسی و انگلیسی با مشکل عمده‌ای مواجه نشدیم. از دیگر موانع پژوهش می‌توان به موسع و تفسیرهای متفاوت و حتی بعضاً متناقضی که از قطعنامه‌های شورای امنیت ارائه می‌شود اشاره کرد. نمونه این برداشت‌های متفاوت در قطعنامه‌های ۱۴۴۱ و ۱۴۸۳ خواهیم دید که ممکن است پژوهشگر را در مظان اتهام جانب‌گرایی از طرفی خاص قرار دهد. نکته دیگری که می‌توان آن را به عنوان مشکل و محدودیتی در روند تحقیق مطرح کرد بودن طیف‌های سیاسی با اندیشه‌های مختلف در حزب جمهوریخواه آمریکا و بویژه در میان نومحافظه‌کاران حاکم در آمریکای زمان حمله به عراق و دیدگاه‌های آنها در مورد سازمان ملل متحد است برای مثال همانطور که در ادامه خواهیم گفت چهره‌هایی مانند کالین پاول وزیر خارجه وقت خواهان اقدام علیه عراق از طریق سازمان ملل متحد بودند ولی کسانی مانند جان بولتون سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد خواهان یکجانبه‌گرایی ایالات متحده و دفاع پیش‌دستانه آمریکا حتی بدون مراجعه و نظرخواهی از سازمان ملل متحد بودند. در این مورد پژوهشگر مجبور بوده ضمن پرداختن به همه دیدگاه‌ها برای طرح کلیه نکات و نقاط پژوهش ممکن است یک دیدگاه را بیش از دیدگاه دیگر با توجه به فضای حاکم بر ذهنیت محقق و کلیت فضای تحقیق مورد توجه داده باشد. در این مورد نیز پژوهشگر بی‌طرفی خود را اعلام می‌نماید و هرگونه تندی یا عکس آن را برخلاف موازین علمی و آکادمیک رد می‌نماید.

فصل دوم

چهارچوب های نظری

مقدمه

در این فصل از پژوهش به تجزیه و تحلیل دو رویکرد واقع گرایانه یعنی رئالیسم دموکراتیک و رئالیسم تهاجمی برای توجیه بحث می‌پردازیم. در قدرت بودن نومحافظه کاران در برهه زمانی حمله به عراق و نادیده انگاشتن نقش سازمان ملل متحد به عنوان معتبرترین سازمان بین المللی، میل محافظه کاران به برقراری دموکراسی از طریق زور و اجبار، تأمین منافع ایالات متحده و تثبیت موقعیت هژمونیک این کشور از این رهگذر از علل اصلی گزینش این دو رویکرد بوده است. ممکن است این سؤال این مطرح شود که چرا در بحث بررسی نقش سازمان ملل متحد در بحران حمله آمریکا به عراق از این رویکردها استفاده شده است؟ در پاسخ باید گفت همانطور که گفته شد در شروع این جنگ سازمان ملل متحد نادیده انگاشته شد و در مراحل بعدی که با موافقت آمریکا در امور عراق دخالت کرد نیز برای مشروعیت دادن به اقدامات آمریکا بود و نه اعاده حیثیت این مهم‌ترین نهاد بین المللی که همه موارد گفته شده در این دو رویکرد بویژه رئالیست تهاجمی دیده می‌شود. ولی برای مشخص کردن دیدگاه-های نظری سازمان ملل در مورد جنگ در آغاز فصل بعد مختصراً بحث خواهیم کرد.

۲-۱- واقع گرایی دموکراتیک (نومحافظه کاری)

این رویکرد در ادبیات گوناگون با نام های مختلفی مانند رئالیسم دموکراتیک، لیبرالیسم امنیت ملی و جهان گرایی دموکراتیک مورد اشاره قرار گرفته است. واقع گرایی را دستمایه و اساس قرار می‌دهد. این رویکرد به

دلیل نفوذیکه بر جرج بوش پسر و مشاوران بلند پایه داشت دارای جایگاه خاص و قابلیت بررسی دارد. از اندیشمندان مطرحی که این نوع از محافظه کاری را مطرح کرده اند عبارتند از فرانسیس فوکویاما، رابرت کاگان، چارلز کراتامر، ویلیام کریستول و پرنفوذترین بازیگران سیاسی هوادار آن نیز چهره‌هایی مانند دونالد را مسفلد، پل ولفوویتز و داگلاس فیت و... هستند (چرنوف، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

منشأ نومحافظه کاری به دوران ریگان برمیگردد اینان تلفیق بهینه‌ای بین واقع گرایی و آرمان گرایی پدید آوردند که سیاست خارجی دولت بوش بویژه پس از ۱۱ سپتامبر بر اساس آن بوده است. نومحافظه کاری ابتدا اساساً "آموزه‌ای ضد کمونیستی و خواهان افزایش هزینه‌های اجتماعی و برابری مدنی برای سیاهان و دیگر اقلیت‌ها بود. باورهای این گروه بیشتر به حزب دموکرات نزدیک بود. اما یک ویژگی آنها را از حزب دموکرات جدا و به جمهوریخواهان متصل نمود و آن گرایش به مداخله گرایی و یکجانبه گرایی است (غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۲۳۸). واقع گرایی دموکراتیک یا مردم سالار در عین حال که تعدادی از اصول واقع گرایی را دستمایه قرار میدهد برخی از اصول لیبرالیسم را نیز می‌پذیرد. طرفداران این نظریه، نظریه خود را آمیزه‌ای از واقع گرایی و لیبرالیسم که به طور کلی ناهمساز شناخته میشوند میدانند (چرنوف، ۱۳۹۰: ۱۱۳). نومحافظه کارها را در زمان کارتر از دموکراتها جدا شدند. شکست سیاست‌های آرمان گرایانه کارتر بویژه در مورد ایران و نیکاراگوئه باعث شد که این گروه به شدت خواهان ترویج ارزش‌های آمریکایی (دموکراسی، حقوق بشر، آزادی و...) از راه توسل بزور شوند شعارهای ریگان در مورد فشار بیشتر بر شوروی و اعاده حیثیت ایالات متحده در زمینه گروگانگیری در ایران زمینه را برای ورود نومحافظه کاران به دولت فراهم کرد.

نومحافظه کاران شکوه و عظمت آمریکا را در حمایت از دموکراسی میدانند چرا که دموکراسی ارزشی جهان شمول است که تمام کشورها به آن باور دارند. ریگان دست به حملات گسترده و همه جانبه برای دموکراسی سازی نزد و تنها حملات سریع و برق آسایی علیه گروه‌های کوچکی مانند آنچه در لیبی و گرانادا روی داد زد خیلی ها مطرح شدن جنگ ستارگان در زمان ریگان که منجر به سقوط شوروی شد را دلیلی در موفقیت نومحافظه کاران میدانند. اما این گروه بواسطه فروپاشی شوروی به نوعی فلسفه وجودی شان را از دست دادند نومحافظه کاران در دولت بوش پدر هم حضور داشتند اما بواسطه کاهش بودجه نظامی در این دهه بویژه در دولت کلینتون معترض بودند و معتقد بودند تا زمانی که تمام دنیا یک وجه غالب دموکراتیک نداشته باشد امنیت آمریکا در خطر است (غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۲۳۹). واقع گرایان مردم سالار مانند واقع گرایان اصیل بر اهمیت قدرت تأکید میکنند و در مورد ارزش نهادها تردید دارند و تحلیل خود را روی دولت متمرکز می‌کنند و آن را متمایز از واحدهای تشکیل دهنده آن میدانند ولی از جهاتی نیز با واقع گرایان کلاسیک متفاوتند و یکی آن است